

بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از منظر مفاهیم

روابط بین‌الملل

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۲۱ - تاریخ تصویب: ۹۶/۱۲/۰۵)

الهام رسولی‌ثانی آبادی^۱

چکیده:

هدف اصلی این پژوهش پرداختن به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به عنوان یکی از کنش‌گران جدید در روابط بین‌الملل از منظری متمایز است. در واقع با بررسی ادبیات موجود و تقسیم این ادبیات بر اساس نام‌گذاری نویسنده به ادبیات علی / تبیینی، اندیشه‌ای / تکوینی، مقایسه‌ای / تطبیقی، سنجش محور و آینده پژوهی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که هیچ‌یک از این ادبیات برای فهم کنش‌گری داعش به منظور مقابله با آن، به این پدیده از منظر مفاهیم رشته-ی روابط بین‌الملل با تأکید بر تحول مفاهیم این رشته (وجه تمایز این پژوهش با سایر آثار) توجه نکرده‌اند. بنابراین این پژوهش با گشودن پنجره‌ای جدید در حوزه مطالعاتی مربوط به داعش بر آن است تا این پدیده را از منظر برخی از مفاهیم روابط بین‌الملل همچون بازیگر، قدرت، امنیت، هویت و جهانی شدن مورد بررسی قرار دهد. از این رو در پاسخ به سؤال چگونگی فهم ماهیت کنش‌گری داعش، فرضیه‌ی اصلی این مقاله آن است که برای فهم کامل کنش‌گری این پدیده به منظور اتخاذ اقدامات بازدارنده در قبال آن، هم جامعه‌ی علمی و هم جامعه‌ی بین‌المللی بایستی به طور هم‌زمان آن را از منظر

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه یزد (rasooli@yazd.ac.ir)

مفاهیم گوناگون روابط بین‌الملل مورد بررسی و فهم قرار دهد. این پژوهش یک پژوهش توصیفی/تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات در آن بر اساس جمع‌آوری داده‌های مجازی و استنادی است. کلیدواژه‌ها: داعش، روابط بین‌الملل، قدرت، امنیت، هویت.

Archive of SID



هدف اصلی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)^۱ که پس از ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ نام خود را به «خلافت اسلامی» تغییر داد، احیای حکومت اسلامی از طریق تشکیل خلافت اسلامی و حکم بر مبنای دین با همه‌ی اصول و مؤسسات لازم است، در واقع داعش بر مبنای قرائتی خاص از دین اسلام است و بر همین اساس نیز می‌کوشد تمامی اعمال و اقدامات خود را بر پایه‌ی همین تفاسیر خاص توجیه و مشروع نماید.

امروزه داعش یکی از مسأله‌های مهم تحلیلی در ادبیات سیاست بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای است که می‌توان از مهم‌ترین دلایل اهمیت آن را در موارد زیر دانست:

- اهمیت داعش به لحاظ ماهیت کنش‌گری: داعش جزء نادرترین گروه‌های تروریستی است که برخوردار از قدرت سازماندهی، نهادسازی و حکومتی است که البته طبق مؤلفه‌ها و شواهد نمی‌توان آن را یک گروه تروریستی صرف نیز تعریف کرد، چرا که داعش از مؤلفه‌هایی چون نیرو و تشکیلات منسجم نظامی، پایتخت نظامی و اقتصادی، ضرب سکه، راه‌اندازی مدرسه و دانشگاه و از همه مهم‌تر مردمانی تحت حاکمیت خود برخوردار است که همین مؤلفه‌ها اطلاق آن را به عنوان یک گروه تروریستی صرف دشوار ساخته است (بیری، ۱۳۹۳: ۲).

- اهمیت داعش به لحاظ گسترده‌ی تأثیر و شدت دامنه‌ی عضوگیری آن: در واقع داعش سیمای جمعیتی گروه‌های سنی جوان و فراملی را از نقاط مختلف جهان از جمله اروپا و آمریکا بازنمایی می‌کند. افرادی که دچار بیگانگی اجتماعی از جوامع خود شده و با نوعی بحران هویت و معنا سعی

۱. Islamic State of Iraq and Syria (ISIS).

در پیوستن به داعش در جهت گریز و رهایی و حل این بحران هستند)
 کریمی مله و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۵۵-۱۷۹).

- اهمیت داعش به لحاظ تأثیرات امنیتی: یکی دیگر از دلایل اهمیت داعش را می توان در تأثیرات امنیتی این کنشگر و ایجاد فصل جدیدی از مسائل تهدیدات امنیتی در خاورمیانه دانست که البته فقط آثار آن مختص به این منطقه نشده و به عنوان یک پدیده منطقه ای دارای آثار امنیتی جهانی و فرامنطقه ای بسیاری است، پدیده ای که موجب ایجاد تعریف دستورکارهای جدیدی در جهت مقابله با تروریسم و الگوهای دوستی، دشمنی و رقابت جدید در سطح منطقه ای و فرا منطقه ای شده است که نمود آن را می توان در تشکیل ائتلاف های جهانی و منطقه ای ضد داعش به رهبری آمریکا و یا عربستان و مواضع سایر دولت ها در پیوستن و یا نپیوستن به این ائتلاف ها مشاهده کرد.

با این مقدمه ی کوتاه در مورد اهمیت کنش گری داعش در سیاست و روابط بین الملل، این مقاله در صدد است تا این پدیده را از یک منظر جدید (تحلیل بر اساس برخی از مهم ترین مفاهیم روابط بین با تأکید بر تحول مفاهیم) مورد بررسی قرار دهد. چرا که بررسی ادبیات موجود در این زمینه نشان از آن دارد که هیچ کدام از آثار پژوهشی تاکنون داعش را به عنوان یک کنشگر مهم بین المللی از منظر مفاهیم این دانش نظری مورد بررسی قرار نداده اند. بنابراین قبل از پرداختن به هدف اصلی این مقاله در مبحث اول به مرور ادبیات موجود در مورد داعش و دسته بندی این ادبیات می پردازیم تا خلاء پژوهشی در این باره را نشان دهیم و سپس در مباحث بعد ماهیت کنش گری داعش را بر اساس مفاهیمی چون بازیگر، قدرت، امنیت، هویت و جهانی شدن مورد بررسی قرار می دهیم.



بررسی ادبیات موجود

با مروری بر ادبیات موجود (مطالعه‌ی موردی مقالات علمی- پژوهشی فارسی) با کلیدواژه‌ی اصلی «داعش» می‌توان این ادبیات را به موارد زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- ادبیات علی / تبیینی: آن دسته از آثاری که با سؤال چرایی به دنبال اصلی‌ترین علت و یا عواملی هستند که در پیدایی داعش نقش داشته است. این دسته از آثار خود به دو دسته تقسیم می‌شوند، آثاری که دارای چهارچوب نظری هستند و با توجه به چهارچوب نظری که برای خود برمی‌گزینند، سطوح تحلیل متفاوتی را برای پاسخ به سؤال خود در نظر می‌گیرند و دسته‌ی دوم آثاری هستند که دارای چهارچوب نظری نیستند. از مهم‌ترین این آثار در میان مقاله‌های علمی- پژوهشی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آذین و سیف زاده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه» (۱۳۹۴) بدون در نظر گرفتن چهارچوب نظری مشخص با تمرکز بر مسأله‌ی «خلاء قدرت» در دو سطح خرد و کلان بر این باورند که در سطح خرد، خلاء قدرت مرکزی و چالش‌های امنیتی در دولت عراق و همچنین ضعف دولت‌های منطقه (نظیر عراق، سوریه، لیبی و مصر) در مقابله با گروه‌های تروریستی و در سطح کلان عدم تمایل دولت آمریکا به دخالت در منطقه در دوران ریاست جمهوری اوباما، از علل اصلی ایجاد داعش شده است.

- سلمان و ایمان احمدوند در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم: مطالعه‌ی موردی داعش» (۱۳۹۴) با استفاده از یک رویکرد ترکیبی و به کارگرفتن رهیافت‌های طبیعی خشونت‌گرایی، رهیافت فرهنگی، رهیافت اقتصادی، رهیافت مذهبی، رهیافت عقلانی و



رهیافت سیاسی در پی پاسخ به سؤال چرایی ایجاد داعش از منظر هر یک از این رویافت‌ها هستند.

- نیاکویی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل گسترش جریان‌ات تکفیری در خاورمیانه ۲۰۱۱-۲۰۱۵» (۱۳۹۴) با استفاده از رویکرد سطح تحلیل علل این پدیده را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیان می‌نماید. در این میان فرقه‌گرایی و بحران دموکراسی در سطح ملی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و هویتی در سطح منطقه‌ای و انفعال نسبی قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا در سطح بین‌المللی از نظر نویسنده زمینه‌ی گسترش یافتن جریان‌ات تکفیری به ویژه در عراق و سوریه شده است.
- کسرائی و داوری مقدم در مقاله‌ی «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیلی جامعه‌شناختی» (۱۳۹۴) چرایی شکل‌گیری داعش را از منظر و دیدگاه جامعه‌شناسانه و روانشناسانه بر اساس نظریه‌ی محرومیت نسبی تد رابرت گر مورد بررسی قرار می‌دهند. بر اساس این نظریه محرومیت نسبی باعث شکل‌گیری خشونت سیاسی در میان افراد و گروه‌های اجتماعی در طول تاریخ شده است. نویسندگان در این مقاله بر اساس این چهارچوب نظری به وجود آمدن داعش را مورد بررسی قرار می‌دهند.
- ناوشکی و احمدیان در مقاله‌ای با عنوان «عوامل قدرت‌یابی داعش در عراق» (۱۳۹۴) با استفاده از چهارچوب نظری دولت ورشکسته بر این باورند که مهم‌ترین عامل پیدایی داعش وجود دولت ورشکسته در عراق است. نویسندگان در مقاله با تعریف دولت ورشکسته و ارائه‌ی معیارهایی برای آن دولت عراق را به عنوان یک دولت ورشکسته معرفی می‌کنند.
- باقری دولت‌آبادی و نوروزی نژاد در مقاله‌ای با عنوان «کاستی‌های نرم افزاری امنیت در عراق و قدرت‌یابی گروه تروریستی داعش» (۱۳۹۴) با استفاده از چهارچوب نظری امنیت نرم افزاری بر این باورند که رویکرد نامناسب در روند مدیریت امنیت و عدم توجه به بعد نرم‌افزاری آن (معضل



بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۳۷

مشروعیت دولت جدید عراق بعد از ۱۱ سپتامبر، عدم یکپارچگی و همگرایی اجتماعی در عراق و عدم توان سیاست‌سازی توسط دولت این کشور) باعث ایجاد خشونت سیاسی و گسترش گروه داعش در عراق شده است.

۱- میریوسفی و غریبی در مقاله‌ای تحت عنوان «خشونت هویتی و سیر تطور اندیشه‌های جهادی، تکفیری» (۱۳۹۵) اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری اندیشه‌های سلفی و جهادی را سه عامل خشونت ساختاری، خشونت هویتی و امپریالیسم ساختاری (نقش قدرت‌های جهانی و ساختار نظام بین‌الملل) بیان می‌کنند. سپس نویسندگان از منظر این سه عامل به شکل‌گیری داعش به عنوان نمود اندیشه‌های سلفی تکفیری در خاورمیانه می‌پردازند.

۲- ادبیات اندیشه‌ای / تکوینی: این دسته از آثار که بیشتر در حوزه‌ی اندیشه‌شناسی قرار می‌گیرند خود به دو دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند، دسته‌ی اول آثاری هستند که با یک نگاه تاریخی و تبارشناسی به پدیده‌ی داعش، در صدد شناسایی و توضیح روند تکوین اندیشه‌ها و ایده‌هایی هستند که منجر به ایجاد داعش شده است. دسته‌ی دوم آثاری‌اند که فارغ از تاریخ و پیشینه‌ی روند شکل‌گیری اندیشه‌ای داعش، در صدد شناخت الگوهای اصلی حاکم بر این اندیشه‌اند. از مهم‌ترین آثاری که در این زمینه قرار می‌گیرند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اشرف نظری و عبدالعظیم السمیری در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)، فهم زمینه‌های فکری و سیاسی / اجتماعی» (۱۳۹۳) به بررسی زمینه‌های فکری و عملی شکل‌گیری داعش و اختلافات تفکر اصیل اسلامی و تفکر داعش (تفاسیر و ادراکات داعش از اسلام) به لحاظ اندیشه‌ای می‌پردازند.

۲- در مقاله‌ی دیگری با عنوان «جریان شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه بر



اساس تحلیل گفتمان» (۱۳۹۳) نبوی و نجات بر اساس چهارچوب نظری تحلیل گفتمان به تبارشناسی گفتمان نوسلفی‌گری و زمینه‌شناسی تکوین این گفتمان می‌پردازند. در همین زمینه نویسندگان مؤلفه‌های این گفتمان را با نگاهی تاریخی و بر اساس تقسیم‌بندی به اصول نظری و اصول عملی مورد بررسی قرار می‌دهند و در پایان مهم‌ترین گروه‌های فعال در سوریه را در این زمینه معرفی می‌کنند.

- صادقی، اخوان کاظمی و محمدی در مقاله‌ای مشابه با عنوان «واکاوی گفتمان تکفیری: سلفی‌گری در جهان اسلام» (۱۳۹۴) با استفاده از چهارچوب نظری تحلیل گفتمان به بررسی بسترهای فکری / معرفتی جریان تکفیری در جهان اسلام می‌پردازند و این استدلال را مطرح می‌نمایند که جریان‌های تکفیری و سلفی حول دال مرکزی خلافت مفصل بندی شده و به ایجاد حوزه‌ی مشروعیت‌سازی و غیریت‌سازی می‌پردازند.
 - امینیان و زمانی در مقاله‌ای با عنوان «داعش پیوند سلفیت تکفیری و بعثی-گرایی» (۱۳۹۴) چگونگی تکوین اندیشه‌های حاکم بر داعش را بر اساس پیوند دو منبع ایدئولوژیک متفاوت سلفیت تکفیری و بعثی‌گرایی می‌داند. بر این اساس این مقاله را به خاطر توجهش به چگونگی تکوین اندیشه‌ی داعش می‌توان در این دسته قرار داد.
 - غفاری هشتجین و علیزاده نیز در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری: مطالعه‌ی موردی داعش» (۱۳۹۴) به بررسی مؤلفه‌های اندیشه‌ای داعش می‌پردازند، مؤلفه‌هایی نظیر خلافت، جهاد، شهادت که منجر به تکوین اندیشه‌ی حاکم بر داعش شده‌اند. سپس بعد از معرفی این مؤلفه‌ها انواع جریانات سلفی را با توجه و تأکید بر بعد اندیشه‌ای‌شان مورد بررسی و مقایسه قرار می‌دهند.
- ۳- دسته‌ی سوم از آثار آثار تطبیقی / مقایسه‌ای هستند، این دسته از آثار با

بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۳۹

اتخاذ یک رهیافت مقایسه‌ای به بررسی نقاط افتراق و تشابه داعش و سایر کنش‌گران تروریستی شبیه‌نظیر القاعده و یا جنبش‌های رقیب داعش می‌پردازند. بر اساس یافته‌های این پژوهش تعداد این آثار بسیار محدود و محدود است، که این پژوهش در جست‌وجوی آثار موجود تنها به یک مورد برخورد که به طور اختصاصی که در این حوزه قرار گرفت:

- مقاله‌ای با عنوان «القاعده و داعش: افتراقات و تشابهات» (توکلی ۱۳۹۳)، که در این مقاله نویسنده با نگاهی تاریخی تطبیقی به بررسی نقاط افتراق و تشابه القاعده و داعش می‌پردازد و این دو جریان را از جهات مختلف با یکدیگر از جمله تاریخ شکل‌گیری القاعده و داعش، اندیشه‌های سیاسی نسبت به حکومت دینی ایدئولوژی حاکم بر هر یک از دو جریان و از منظر سازمانی و جهادی با یکدیگر مقایسه می‌کند.

۴- آثار **سنجش محور:** آثاری که در پی بررسی و ارزیابی سیاست‌های سایر کنش‌گران و دولت‌ها در قبال داعش و یا در صدد ارزیابی خود تأثیرات داعش بر بازیگران منطقه و توزیع قدرت منطقه‌ای و یا بین‌المللی هستند. تعداد این دسته از آثار به نسبت سایر آثار بسیار محدود است. از مهم‌ترین این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- صالحی و مرادی نیاز در مقاله‌ی «پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپلیتیک خاورمیانه» (۱۳۹۴) به تأثیرات داعش بر صف‌بندی تازه کنش‌گران فروملی و ملی در خاورمیانه، پیامدهای ژئوپلیتیکی آن و همچنین تأثیرات بر ائتلاف‌های منطقه‌ای در قالب سه محور هلال سنی، هلال شیعی و هلال کردی می‌پردازد.

- میریوسفی در مقاله‌ی «تناقضات راهبردی ضد داعش ایالات متحدهی آمریکا و موضوع همکاری با ایران» (۱۳۹۵) با استفاده از چهارچوب نظری سیاست بوروکراتیک گراهام آلیسون به بررسی و ارزیابی ساختار



سیاست‌سازی دولت آمریکا (اوباما) در قبال داعش و تناقضات موجود در آن اشاره می‌کند. در این مقاله تأکید بر نهادهای داخلی آمریکا در خصوص تصمیم‌سازی در قبال داعش و ارزیابی تصمیمات آن‌ها است.

۵- آثار آینده پژوهی: این دسته از آثار نیز که بسیار اندک و معدود هستند، با نگاهی آینده پژوهانه در پی بیان سناریوهای احتمالی هستند که می‌تواند در آینده برای داعش و سایر کشورهای درگیر در این مسأله، ایجاد شود. بر اساس یافته‌های پژوهش تنها یک مورد از آثار مربوط به داعش در میان مقاله‌های علمی-پژوهشی در این دسته جای گرفت:

- مقاله‌ی سمعی اصفهانی و شفیعی سیف آبادی (۱۳۹۴) با عنوان «آینده‌ی گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات بخش دولت سوریه و عراق» است که نویسندگان در این اثر با نگاهی جدید و بر اساس سناریوسازی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی به آینده‌شناسی جریانات تکفیری از جمله داعش می‌پردازند. آن‌ها در این مقاله به ارائه‌ی پنج سناریو در سه دسته‌بندی سناریوهای مطلوب، سناریوهای محتمل و سناریوهای ممکن و توضیحات در مورد وقوع احتمال هر یک می‌پردازند. این مقاله یکی از معدود مقالات برجسته در حوزه‌ی آینده‌پژوهی داعش است.

بنابراین با بررسی ادبیات موجود در باب داعش به این نتیجه می‌رسیم که هیچ‌کدام از این ادبیات برای فهم کنش‌گری داعش بر روی مفاهیم روابط بین‌الملل متمرکز نمی‌شوند و این پدیده‌ی بین‌المللی را از منظر مفاهیم این رشته مورد بررسی قرار نمی‌دهند.

داعش از منظر مفهوم بازیگر در روابط بین‌الملل

یکی از مهم‌ترین مفاهیم روابط بین‌الملل مفهوم «کنش‌گر» و یا «بازیگر» است.



بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۴۱

مفهوم کنش‌گر در روابط بین‌الملل به معنای هر شخصیت حقوقی و یا حقیقی در سطح ملی و یا بین‌المللی است که به نحوی با انجام دادن عمل^۱ بتواند بر سیاست تأثیر گذارده و همچنین حضورش در محیط امنیتی ملی و بین‌المللی ایفای یک نقش عینی و یا ذهنی را در پی داشته باشد، به نحوی که در صورت عدم حضورش در محیط سیاسی مشخص، نقش آن هم ظاهر نشود (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳: ۸۷). امروزه همراه با تحولات مربوط به جهانی‌شدن شاهد طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنش‌گران غیردولتی (افراد، سازمان‌ها، جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های تروریستی) در کنار کنش‌گران دولتی به عنوان کنش-گران اصلی نظام بین‌الملل هستیم. در همین راستا از منظر مفهوم کنش‌گر در روابط بین‌الملل اولین مسأله‌ای که در مورد داعش به ذهن متبادر می‌شود ماهیت کنش‌گری آن در سیاست بین‌الملل به عنوان یک گروه تروریستی، دولت، جنبش اجتماعی در راستای دستیابی به جهانی عادلانه‌تر و یا جنبش ضدنظام در قالب نیروهای ضددهژمونیک و ضد نظام جهانی که ترتیبات سیاسی نهادی مسلط را به چالش می‌کشند، است، که در ادامه هر یک از این موارد را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- دولتی بودن و یا غیردولتی بودن ماهیت کنش‌گری داعش: در نظر گرفتن داعش به عنوان دولت: کنوانسیون ۱۹۳۳ مونته ویدئو درباره‌ی حقوق و وظایف دولت‌ها در ماده‌ی ۱ شرایط تشکیل دولت را به عنوان شخص حقوق بین‌الملل این چنین بیان می‌کند: ۱- دارا بودن جمعیت دائمی به این معنا که جمعیت مزبور قصد سکنی گزیدن در قلمرو را به طور دائمی داشته باشد و دیگر آن که قلمرو مورد نظر قابل سکونت باشد، ۲- داشتن سرزمین مشخص، ۳- داشتن حکومت^۲ و اعمال حاکمیت درونی و بیرونی،

۱. Act

۲. Government

۴- صلاحیت ایجاد روابط بین‌الملل با سایر دولت‌ها، که البته این ویژگی نتیجه‌ی دولت شدن است و نه معیاری برای ایجاد آن (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

با توجه به شرایط چهارگانه بالا بنظر می‌رسد که به لحاظ عنصر سرزمین داعش کنترل بخشی از سرزمین‌های عراق و سوریه را دارد، اما کنترل این سرزمین‌ها غیرقانونی و غیرمشروع است، در این باره می‌توان به قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت در راستای غیرقانونی بودن و غیرقابل مشروع بودن اقدامات و ادعاهای داعش اشاره کرد. از سوی دیگر سرزمین معینی مورد ادعای داعش نیست و این گروه ادعای سرزمینی بر نیمی از جهان از جمله کشورهای اسلامی و سایر سرزمین‌های فتح شده در سال‌های اولیه‌ی ظهور اسلام را دارد (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

در مورد عنصر حکومت نیز بایستی بیان کرد که مؤثر بودن حکومت داعش به معنای اهلیت واقعی اجرای تمامی وظایف دولتی از جمله نظم و امنیت در داخل، برآورده کردن نیازهای اشخاص و اجرای تعهدات خارجی (کک دین، ۱۳۸۲: ۶۷۶) مورد تردید است. به این معنا که خلافت اسلامی گرچه حکومت و حکمرانی بر قلمرو تحت کنترل خود دارد اما به سه دلیل زیر حکومت مؤثر ندارد: ۱- حکومت مؤثر بایستی قوای سه‌گانه‌ی مجریه، مقننه و قضاییه داشته باشد که خلافت اسلامی دارای چنین قوایی نیست، ۲- حکومت مؤثر بایستی دارای تکالیفی چون حفظ نظم عمومی و یا حفاظت از منافع عامه در قبال شهروندان خود داشته باشد، درحالیکه داعش دارای چنین ویژگی‌ای نیز نیست، ۳- حکومت مؤثر بایستی دارای تعهدات بین‌المللی با دیگر بازیگران بین‌المللی باشد که داعش در این زمینه دارای هیچ تعهد بین‌المللی نیست (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

در مورد عنصر چهارم یعنی صلاحیت ایجاد روابط بین‌الملل نیز که این عنصر پیوند مستقیمی با استقلال یک دولت و همچنین متضمن شناسایی یک دولت



توسط دولت‌های دیگر (Aust, 2010: 16) است، بایستی بیان کرد که خلافت اسلامی دارای این خصوصیات نیز نیست. با توجه به موارد بیان شده می‌توان این گونه بیان کرد که مسلماً بر اساس مبانی حقوق بین‌الملل نمی‌توان داعش را به عنوان کنش‌گری با ماهیت دولت قلمداد کرد. بنابراین داعش بازیگری غیردولتی از نوع و ماهیت تروریستی است. البته بازیگر غیردولتی که در زمره‌ی «گروه تروریستی صرف» نیز به دلیل سازماندهی متمرکز دولتی در جغرافیای خاص (عراق و شام)، قرار نمی‌گیرد.

۲- در نظر گرفتن داعش به عنوان جنبش اجتماعی و یا جنبش ضدنظام: مفهوم «جنبش‌های ضد نظام» یکی از مفاهیم اصلی نظریه‌ی «نظام جهانی» والراشتاین است. از منظر والراشتاین نظام جهانی نوعی نظام سرمایه‌داری و متشکل از سه بخش مرکز، پیرامون و شبه پیرامون است. در این نظام که نابرابری ویژگی اصلی آن است توسعه‌ی هم زمان برای همه‌ی دولت‌های نظام امکان‌پذیر نیست. در همین راستا ساختار انحصارگرایانه‌ی مرکز نسبت به پیرامون به صورت «نظام جهانی تمرکزگرای طردساز» باعث ایجاد نوعی بحران هویت و ایجاد محرومیت بخش‌هایی از نظام می‌شود که خود را به صورت جنبش‌های ضدنظام در تقابل با ایدئولوژی مرکز نشان می‌دهد (والراشتاین، ۱۳۹۳: ۵۶۵).

بر اساس این دیدگاه داعش را می‌توان به عنوان یک جنبش ضدنظام با ماهیت بنیادگرایی اسلامی مورد شناسایی قرار داد که بر اساس مفاهیم ضدیت^۱ و غیریت^۲ در تقابل با نظام سلطه قابل تحلیل است. در همین راستا گیل بیان می‌کند که نیروهای ضدژئومونیک ماهیت مشخصی ندارند و می‌توانند مترقی و یا غیرمترقی باشند (Gill, 1993: 43).

۱. Antagonism

۲. Otherness



در همین راستا بر اساس تحلیل هانا آرنت شاید بتوان داعش را به عنوان یک جنبش ضد نظام از جنس «توتالیترایسم» دانست. هانا آرنت در کتاب خود با عنوان «ریشه‌های توتالیترایسم» معتقد است برای فهم توتالیتر بایستی به روانشناسی توده‌ها پرداخت. توده به مجموعه افرادی بی‌هویت و سرگشته اطلاق می‌شود که در هر کشوری وجود دارند و طیف گسترده‌ای از افراد خنثی و لاقید سیاسی را شامل می‌شود. به بیان وی انفراد اجتماعی شدید باعث پیوستن توده‌ها به جنبش‌های ضدنظام توتالیتر می‌شود. بنابراین جنبش‌های توتالیتر سازمان‌های توده‌ای متشکل از افراد ذره ذره شده و جدا از هم است که دارای وفاداری تام و نامحدود و بی‌چون و چرا به رهبری سازمان‌اند. بنابراین به گفته‌ی آرنت چنین انسان‌هایی با جنگ و جنایت و قدرت و خشونت در پی پیدا کردن جایگاه گم شده‌شان در جهان و همچنین موجه نشان دادن خود از سه طریق هستند: برساختن جهانی بر اساس آئین‌های اعتقادی خود، ارباب و تبلیغات (آرنت، ۱۳۶۶: ۴۲-۶۰).

در نظر گرفتن داعش به عنوان کنش‌گری از جنس «جنبش ضدنظام و یا جنبش اجتماعی» توجه ما را به سوی مفاهیم «رهایی» و «دگرگونی» موجود در نظریه‌ی انتقادی روابط بین‌الملل سوق می‌دهد. در همین راستا مارتین گریفیتس بیان می‌کند که نظریه‌ی انتقادی با تأکید بر مفهوم علائق‌رهایی بخش به جای علائق فنی که مورد تأکید جریان اصلی است و به کنترل هرچه بیشتر جهان اجتماعی اشاره دارد، به مفهوم جنبش اجتماعی می‌رسد، جنبش‌هایی که در پی رهایی از نابرابری‌های اجتماعی و همچنین مقابله با ساختارهای نظام اقتصاد جهانی است که اشکالی از سلطه و چیرگی را موجب شده است (گریفیتس، ۱۳۸۸، ۹۷۵).

رهایی یکی از مباحث فلسفی و هنجاری مهم در نزد نظریه‌پردازان انتقادی است که از دیدگاه لینکلتر به معنای آزاد بودن و حاکمیت بر سرنوشت و توانایی ابتکار عمل تعریف می‌شود (لینکلتر، ۱۳۸۶، ۳۱). این مفهوم در نظریه‌ی انتقادی، نظریه‌پردازان این نظریه را بر آن می‌دارد تا برای کنش‌گر اجتماعی



بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۴۵

در کنار علائق فنی و یا تکنیکی که مورد تأکید جریان اصلی است، علائقی با نام علائق رهایی بخش متصور شوند. علائقی که ناظر بر تأمین سعادت اخلاقی و رهایی بشری است. این نوع علاقه انسان را بر آن می‌دارد تا خود را از محدودیت‌ها و فشارهای ناشی از عوامل انسانی و محیط اجتماعی رها سازد. لازمی این رهایی به کارگیری عقلانیت انتقادی است، عقلانیتی که در جهت نقد و تغییر وضع موجود در جهت رسیدن به نظم و شرایط مطلوب یعنی وضعیتی که در آن انسان با تأمل و تفکر به خودآگاهی، خود فهمی، تعالی و سعادت و نهایتاً رهایی است (هابرماس، ۱۳۷۵، ۳۱-۳۲).

بنابراین از این منظر می‌توان اقدامات کنش‌گری داعش به عنوان یک «جنبش اجتماعی» را در قالب کنش گروهی بر پایه‌ی منطق مسئولیت و یا تکلیف و رسالت آن‌ها در جهت رهایی و رهایی‌بخشی در قالب عقلانیت انتقادی تعبیر کرد. رهایی در جهت ایجاد وضع مطلوب و سرنگونی ساختارهای سلطه و سرکوب و بی‌عدالتی است. این رهایی به گفته کاکس متضمن استقلال و خودمختاری، حق تعیین سرنوشت و همچنین متضمن امنیت انسانی است، رهایی است که انسان‌ها و ملت‌ها را از محدودیت‌ها و قیدوبندهایی که آزادی و انتخاب عمل آن‌ها را محدود و متوقف می‌کند، آزاد می‌سازد (Cox, 2004).

بنابراین داعش به عنوان یک جنبش اجتماعی و رهایی‌بخش در پی رهایی از «غرب هویت زدا» و رفتن به سوی «خلافت هویت زا» و همچنین رهایی از محدودیت‌ها و محصوریت‌های فرهنگ مدرنیته‌ی غربی در راستای رسیدن به جامعه‌ی آرمانی تحت عنوان نظم سیاسی خلافت است، جامعه‌ای ارزش‌مدار که حافظ ارزش‌های مشترک است و هویتی ممتاز و برجسته و زندگی هدفمند دنیوی و سعادت اخروی را به افراد وعده می‌دهد. رسیدن به اجتماع تساوی‌گرا و رسالت‌مدار که در آن هر فرد با برخورداری از یک نقش به امت خدمت می‌کند و در قبال آن پاداش مادی و یا الهی دریافت می‌کند (Kfir, 2015:158).



بنیادگرایی چون داعش بر این باورند وضعیت محروم بودن آن‌ها و در حاشیه بودنشان که ناشی از استبداد داخلی و استعمار خارجی است، ریشه در روابط نابرابر قدرت در ساختار نظام بین‌الملل دارد و برای رهایی از این وضعیت می‌بایست به نوعی احیای دینی در قالب اسطوره‌ی «بازگشت به خویشتن اصلی» متوسل شوند. این رهایی متضمن جهاد در دو عرصه‌ی درونی (مقابله با استبداد داخلی) و بیرونی (مبارزه با استعمار خارجی و غرب و مدرنیته) است. از نظر آن‌ها رهایی از مدرنیته به مثابه جاهلیت عصر مدرن و مصداق کفر و الحاد به شمار می‌رود (سمعی اصفهانی و شفیع سیف آبادی، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۸).

شاید بتوان در این مبحث از مفهوم «خشونت ساختاری» گالتونگ نیز در بیان پیدایی جنبش ضدنظام از جمله داعش بهره گرفت. در واقع از نظر گالتونگ خشونت ساختاری خشونت غیرمستقیمی است که از سوی ساختار حاکمه (نظام جهانی) بر مخاطب وارد می‌شود و مانع از دسترسی آنان به نیازهای اساسی‌شان می‌شود، این خشونت به بیان گالتونگ غیرقابل اجتناب است و منجر به حس بیگانگی با دنیای بیرون می‌شود (Galtung, 2007:106)

۳- داعش و بازنمایی خود به عنوان بازیگری تحت عنوان خلافت اسلامی: آن‌چه در این میان مهم است توجه به تعریف و بازنمایی داعش از خود به عنوان «خلافت اسلامی» است. در واقع داعش در صدد ارائه‌ی الگویی متفاوت از دولت در ساختار کنونی نظام بین‌الملل و جایگزینی آن با مفهوم و سازه‌ی خلافت یا دولت خلافت است. مشخصه‌های این دولت خلافت را می‌توان این گونه برشمرد:



بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۴۷

مشخصه‌های دولت خلافت

رهبری: ریاست دولت خلافت را ابوبکر البغدادی به عنوان بالاترین مقام دینی است که به صورت مستقیم حکومت را به عهده دارد و به عنوان ولی امر مسلمین در دولت خلافت با وی بیعت می‌شود و مناصب کلیدی به شکلی مستقیم در اختیار وی است (برای مطالعه بیشتر بنگرید به البکری، ۲۰۱۵: ۲۸-۳۰).

ولایت: سرزمین‌های موجود در دولت خلافت ولایت نام دارد، تاکنون ۱۶ ولایت (۸ ولایت در سوریه و ۸ ولایت در عراق) به رسمیت شناخته شده است، شخص والی در هر ولایت حاکم مطلق است که دارای دو معاون نظامی و معاون شرعی می‌باشد.

شورای نظامی: تحت نظارت مستقیم رهبری خلافت است و از یک رئیس و سه عضو تشکیل شده، وظیفه آن طراحی و مدیریت فرماندهان نظامی در ولایات و پیگیری نتایج جنگ‌ها در این ولایات است.

شورای امنیت اطلاعات: مسولیت اماکن و نقل و انتقالات و نظارت بر اجرای احکام قضایی و حفظ نظام در برابر آسیب‌پذیری

هیات‌های شرعی: قضاوت و حل اختلافات و برپایی حدود شرعی و امر به معروف و نهی از منکر و همچنین عضوگیری، تبلیغات و پیگیری امور رسانه

مجلس شورا: بررسی صلاحیت والیان و افراد شورای نظامی

موسسه رسانه‌ای و مطبوعات (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: اشرف نظری و السعیری، ۱۳۹۳).

بنابراین دال مرکزی گفتمان داعش مفهوم «خلافت اسلامی» و جایگزینی آن با مفهوم «دولت-ملت» است، در همین راستا در فقه سیاسی اهل سنت خلافت علاوه بر اهل حل و عقد و استخلاف و شورا از طریق زور و استیلا نیز مشروعیت می‌یابد و هر کسی نیز که از پذیرفتن آن امتناع کند، منحرف تلقی می‌گردد (قادری، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۵). به موجب این بازنمایی خلافت تنها نظام سیاسی مطلوب مسلمین است که موجب حراست از دین و دنیا می‌شود، بنابراین داعش مفهوم دولت-ملت را رد کرده و مفاهیمی چون ناسیونالیسم، دموکراسی و سکیولاریسم را مترادف با بت‌پرستی می‌داند (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۶۸).



داعش از منظر مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل
بارنت و دووال در مقاله‌ای راجع به انواع قدرت و تحول این مفهوم در روابط
بین‌الملل، قدرت را محصول روابط اجتماعی و نتایجی می‌دانند که توانایی‌های
بازیگران را برای تعیین سرنوشت و وضعیت خود شکل می‌دهد. به نظر آن‌ها
آثار قدرت را می‌توان در دو جنبه مشاهده نمود.

۱- آثار قدرت بر رفتار بازیگران^۱ که منجر به قدرت تعاملی می‌شود.^۲

۲- آثار قدرت بر هویت بازیگران^۳ که منجر به قدرت تکوینی می‌شود.^۴

قدرت تعاملی به معنای اعمال مستقیم و خاص قدرت به منظور کنترل دیگران
و دارای نوعی تأثیر علی بر رفتار آن‌ها است (مفهوم سنتی قدرت)، در مقابل
قدرت تکوینی مربوط به این است که چگونه روابط اجتماعی تعیین می‌کند که
بازیگر چه کسی است و چه توانایی‌هایی دارد. در این جا ما با تأثیر غیرمستقیم
و پراکنده قدرت بر هویت بازیگران روبرو هستیم (Barnet and Duall 2005: 39).

از نظر بارنت و دووال از ترکیب این دو نوع از قدرت دو گونه‌ی مهم از روابط
قدرت پدید می‌آید:

- قدرت اجباری: این گونه از قدرت که در آن کنترل مستقیم توسط یک
بازیگر بر دیگری است، همان تعریف سنتی از قدرت در نزد رئالیست‌ها
است که قدرتی خاص، تعاملی و مستقیم به شمار می‌رود، در واقع این
گونه از قدرت همان قدرت سخت و یا فیزیکی، اجباری است (Barnet
and Duall 2005: 40).

- قدرت گفتمانی: بارنت و دووال قدرت گفتمانی را توانایی یک بازیگر در

۱. Power Over

۲. Interactional Power

۳. Power to

۴. Constitutive Power

تولید گفتمان خاص در نظام بین‌الملل تعریف می‌کنند. بنابراین بازیگر تولید کننده‌ی این قدرت تعیین می‌کند که در نظام بین‌الملل چه چیزی مشروع و مهم است. بارت و دووال اعمال این گونه از قدرت را به صورت غیرمستقیم و پراکنده بیان می‌کنند (Barnet and Duall 2005: 69).

با بررسی اقدامات و عملکرد داعش (بررسی اقدامات عملی و کنش‌های گفتاری^۱ رهبران داعش) می‌توان این گونه بیان کرد که دو قدرت اجباری^۲ و گفتگویی^۳ به طور توأمان در مورد داعش وجود دارند. در واقع کنش‌گر داعش با اقدامات خود هم رفتار بازیگران و هم هویت آن‌ها را شکل داده است.

۱- قدرت اجباری داعش: واضح است که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های داعش استفاده از قدرت سخت^۴ است که نمود آن را می‌توان در استفاده‌ی این کنش‌گر از قدرت نظامی و فیزیکی (در قالب عملیات انتحاری و یا بمب گذاری) و همچنین تکیه بر مفهوم «جهاد» به عنوان یکی از دال‌های مهم گفتمان بنیادگرایی اسلامی داعش دانست. در واقع مفهوم «سلفی‌گرایی جهادی» به معنای تولید خودکار خشونت و تلازم میان سلفی‌گرایی و رادیکالیسم (فیرحی، ۱۳۸۹: ۱۰۹) در همین راستا قابل ارزیابی است. در گفتمان داعش مفهوم جهاد اسلامی برای ایجاد حکومت شرعی و حفظ اسلام یک فریضه‌ی دینی و شرعی و در حکم اصول اولیه اسلامی محسوب می‌شود. به عقیده‌ی آنان جهان سراسر کفر و ضلالت را تنها با روش جهاد می‌توان نجات داد. جهاد به عنوان یک امر «واجب عینی» و نه «واجب کفایی» برای تک به تک پیروان داعش به عنوان تنها راه بازگشت به گذشته با

۱. Speech act

۲. Coercive Power

۳. Discursive Power

۴. Hard Power

شکوه اسلام در نظر گرفته می‌شود. در همین راستا زینه ابوبکر البغدادی صراحتاً بیان می‌کند که تکفیر و جهاد علیه کسانی که تصدیق و تفسیر ما را از اسلام نمی‌پذیرند، واجب است (Dabiq, 1435:11).

بنابراین در ایدئولوژی داعش جهاد میان «مای مؤمن و مجاهد توحیدی» و «دیگری ملحد مشرک» بازنمایی شده و قیام به سیف با هر ابزار و با هر شکلی راهی است برای بازگشت به سلف صالح و اصل دین (غفاری هشتجین، ۱۳۹۳: ۱۰۰-۱۰۲) که این امر تنها از طریق تکیه بر قدرت اجباری و سخت امکان پذیر است.

۲- قدرت گفتمانی داعش: قدرت گفتمانی داعش یا همان قدرت نرم این کنش‌گر است که ناشی از جذابیت‌های ایدئولوژیک و تأثیرگذاری بر اذهان و قلوب مخاطب و استفاده از رسانه‌ها و پیام‌های ارتباط جمعی در جهت ارزش‌گذاری، نمادسازی و متقاعدسازی مخاطب است (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۵). در واقع کنش‌گری داعش از طریق توسل به جنگ‌های اطلاعات پایه به اعمال قدرت نرم و گفتمانی خود بر مخاطب می‌پردازد و هدف نهایی این نوع از اعمال قدرت را تسلط بر اذهان و قلوب بیان می‌کند.

در همین اشاره به قدرت گفتمانی گروه‌های تروریستی از جمله داعش است که دونالد رامسفلد در نطقی که در فوریه ۲۰۰۶ برای شورای روابط خارجی ایراد کرد اذعان داشت:

دشمنان ما ماهرانه خود را با جنگیدن در عصر رسانه‌های امروزی سازگار ساخته‌اند، ببینید تندروان خشونت طلب کمیته‌های روابط رسانه‌ای شکل داده‌اند و درباره‌ی راهبرد گفتمانی صحبت می‌کنند، آن‌ها سروکارشان در کنار گلوله با واژه‌هاست، آن‌ها ثابت کرده‌اند که در زمینه‌ی بازی گرفتن افکار عمومی جهان بسیار موفق عمل کرده‌اند (Rumsfeld 2006).



داعش از منظر مفهوم امنیت در روابط بین‌الملل

جان هرتر امنیت را مفهومی محوری برای نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل می‌داند و بر این باور است که قبل از تفکر درباره‌ی هر چیز دیگری ابتدا بایستی درباره‌ی چگونگی بقا و تأمین امنیت بیاندیشیم (Hertz 1962: 3).

به طور کلی در جریان نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل دو نگاه متفاوت نسبت به امنیت به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم روابط بین‌الملل وجود دارد. نگاه اول مربوط به جریان اصلی روابط بین‌الملل شامل دیدگاه‌های واقع‌گرا و لیبرال به عنوان جریان مطالعاتی سنتی این رشته به این مفهوم وجود دارد که از این منظر امنیت به عنوان یک موضوع تک بعدی در نظر گرفته می‌شود که فقط شامل امنیت نظامی، فیزیکی و یا مادی است.

نگاه دوم مربوط به جریان غیر اصلی نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل به عنوان جریان معناگرای این رشته است که با تأکید بر امور معنایی در روابط بین‌الملل هم چون قواعد، هنجارها، گفتمان‌ها، هویت و فرهنگ بر امنیت هویتی و یا امنیت هستی‌شناسانه^۱ به جای امنیت فیزیکی تأکید می‌کنند. در همین زمینه سازه‌انگاران در حوزه‌ی امنیت، مفهوم تهدید عینی را باطل می‌شمارند و تهدیدها را هویتی و ارزشی قلمداد می‌کنند، چنان‌چه، استیل بر این باور است که امنیت فیزیکی برای دولت‌ها مهم است ولی امنیت وجودی مهم‌تر است (استیل ۱۳۹۲: ۱۶)، چراکه امنیت هویتی در کنار امنیت فیزیکی گروه‌های انسانی را به جست و جوی به رسمیت شناخته شدن جایگاه خود وا می‌دارد (Herta, 2008:73).

ریشه‌های مفهوم امنیت هویتی به خصوص در مطالعات روابط بین‌الملل و مطالعات سیاست خارجی از نظریه‌ی «وجود انسانی» آنتونی گیدنز در سطح فردی استنتاج شده است. گیدنز امنیت هستی‌شناسانه در سطح فردی را به



صورت نیاز اساسی و اولیه‌ی افراد تعریف می‌نماید. از نظر گیدنز در حالیکه در تهدیدات فیزیکی هراس بروز می‌کند در تهدیدات هویتی چه در سطح افراد و چه در سطح دولت‌ها اضطراب بروز می‌کند و بایستی میان اضطراب و هراس تمایز قائل شد. از نظر وی گاهی حتی روابط مناقشه‌آمیز می‌تواند امنیت هویتی را حفظ نماید (Giddens 1994:61). از نظر گیدنز اطمینان خاطر که اکثر انسان‌ها در تداوم هویتشان، در تداوم اجتماع پیرامونشان و محیط مادی عملشان احساس می‌کنند و همچنین احساس قابلیت اتکاء به پیرامون، اساس «امنیت هویتی» را شکل می‌دهد (Giddens, 1991:143).

همان‌گونه که اشاره شد یکی از کلیدواژه‌های اصلی و مرتبط با مفهوم امنیت هستی‌شناسانه، کلیدواژه‌ی «شرم» است. گیدنز «شرم» را نگرانی نسبت به مناسب بودن روایتی تعریف می‌کند که با آن، فرد بیوگرافی منسجمی را حفظ می‌کند (Giddens, 1991:65). بنابراین در سطح بین‌المللی شرم به نگرانی کنش‌گران درباره‌ی توانایی منطبق‌سازی اقدامات گذشته یا آینده با روایت بیوگرافیک ترجمه می‌شود که این روایت را دولت برای توجیه رفتار خود به کار می‌گیرد. در واقع شرم را می‌توان احساس ناامنی نسبت به مسائل هویتی معنا کرد. مطابق با این تعاریف می‌توان این‌گونه بیان کرد که اقدامات کنش‌گری داعش از منظر مفهوم امنیت علاوه بر در برداشتن مفهوم فیزیکی و مادی امنیت که همان تلاش این کنش‌گر برای حفظ امنیت سرزمینی تصرف شده خود در عراق و سوریه است، در برگیرنده‌ی بعد دیگر امنیت نیز هست که چه بسا این بعد دوم بسیار مهم‌تر از بعد اول امنیت برای این کنش‌گر و توجیه‌کننده‌ی اقدامات آن باشد. چرا که از منظر مفهوم امنیت هویتی، احساس تهدید هویتی، امنیت روانی کنش‌گر را مختل ساخته و به رفتارهای افراطی می‌انجامد (Dorothy, 2007:85). امری که به وضوح می‌توان آن را در تحلیل اقدامات داعش مشاهده کرد. در همین زمینه ابو عمر البغدادی رئیس شورای مجاهدین در نخستین بیانیه‌ی رسمی خود دلایل تشکیل دولت اسلامی عراق و شام را چنین



توصیف می‌کند:

با اشغال عراق به دست نیروهای آمریکایی اختلافات قومی و مذهبی در عراق زیاد شد و کردها در شمال عراق و شیعیان در مرکز عراق قدرتمند شدند، هرکدام از آن‌ها حامیانی از کشورهای خارجی و نیز ارتشی مستقل دارند، اما در این میان اهل سنت مظلوم واقع شدند، بنابراین هدف تشکیل این گروه احقاق حقوق اهل سنت است (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳: ۲۴).

بنابراین از این منظر منازعه‌ی داعش را می‌توان یک منازعه‌ی هویتی و نوعی «امنیت‌جویی هستی‌شناختی» دانست. در شکل زیر به روندهای دوگانه‌ی حفظ امنیت هویتی در کارگزاری داعش اشاره شده است.

روندهای دوگانه‌ی حفظ امنیت هویتی در کارگزاری داعش



داعش از منظر مفهوم هویت در روابط بین‌الملل

در تعریف از هویت آن را «فهم‌ها و انتظارات از خود که خاص نقش است» معنا کرده‌اند (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ۳۳۲). بنابراین هویت مجموعه‌ای از باورها در مورد خود، دیگران و روابط میان آن‌هاست (Fearon and Wendt, 2005: 64).

از سوی دیگر هر هویتی تعریف اجتماعی کنش‌گر بوده و ریشه در نظریه‌هایی دارد که کنش‌گران به شکل جمعی درباره‌ی خود و دیگری دارند. در همین

راستا تکوین هویت یک کنش‌گر مستلزم قائل شدن به مرزهایی میان خود و دیگری و به اعتباری مستلزم تفاوت‌ها است. ونت هویت را خصوصیتی در کنش‌گر نیست‌مند می‌داند که موجب « تمایلات انگیزشی و رفتاری» است (ونت ۱۳۸۴: ۳۲۵-۳۲۶). در همین زمینه می‌توان این گونه بیان کرد که هویت «خود» تنها در ارتباط با یک «دیگر» قابل تعریف است. از دیدگاه هانتینگتون ما زمانی می‌دانیم که چه کسی هستیم که بدانیم چه کسی نیستیم و یا اینکه بدانیم مخالف چه کسی هستیم (Huntington 1996).

از نظر بوزان هویت‌ها در روابط بین‌الملل به دو شکل هویت‌های «تردگرا»^۱ و جهان شمول‌گرا^۲ پدیدار می‌شوند. از نظر وی هویت‌های «تردگرا» هویت‌هایی سلسله‌مراتبی در نظام بین‌الملل هستند که خود را برتر از سایر هویت‌ها می‌دانند و با منطق انقلابی و مقتدارانه در صدد کنترل بر دیگران و توسعه‌ی خود هستند (بوزان ۱۳۹۰: ۳۸). بنابراین اولین نکته‌ای که می‌توان در باب تحلیل کنش‌گری داعش از منظر مفهوم هویت به آن اشاره کرد، تأکید بر هویت «تردگرا» داعش در مقابل هویت جهان شمول‌گرا است. نمود این هویت «تردگرا» می‌تواند در نماد مفهوم «تکفیر» به عنوان عامل تمایزبخش در ایجاد خود و دیگری، مشاهده کرد. موضوع تکفیر در ادبیات داعش که به کوچک شدن حلقه‌ی «ما» و بزرگتر شدن حلقه‌ی «دیگری» انجامیده است، به لحاظ ذهنی باعث ایجاد «خود بیگانه‌پنداری» برای این کنش‌گر بوده و یک موضوع ذهنی- هویتی است که باعث می‌شود گروهی از مسلمانان از دایره‌ی «مای» تعریف شده توسط داعش خارج شوند (فیرحی، ۱۳۹۳).

در همین زمینه از نگاه ابوبکر البغدادی به عنوان عالی‌ترین مقام کارگزاری داعش، جهان از دو اردوگاه شکل می‌گیرد و اردوگاه سومی وجود ندارد، آن دو

۱. Exclusive Identity

۲. Inclusive Identity



بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۵۵

اردوگاه عبارت اند از: «جهان اسلام و ایمان» و «اردوگاه کفر و نفاق» (Dabiq, 1435:11).

نکته‌ی دوم در خصوص تحلیل کنش‌گری داعش از منظر مفهوم «هویت» توجه به شکل‌گیری و ایجاد «هویت جمعی» و حس «مابودگی» در این کنش‌گر است که در نهایت منجر به اعمال خشونت هویتی از سوی آن در قبال «غیرجمعی» می‌شود، خشونت‌هایی که در آن سه عامل تهدید، تبعیض و تحریک نقش عمده‌ای دارد، به عنوان مثال افرادی که عضو داعش می‌شوند مهاجران مسلمانی هستند که در جوامع غربی دچار نوعی از خودبیگانگی یا خشونت هویتی شده‌اند (میریوسفی و غریبی، ۱۳۹۵: ۱۷۶).

بر اساس نظریات جامعه‌شناختی «هویت جمعی» هویتی است که از یک سو مشتمل بر آگاهی مشترک افراد به وابستگی‌شان به یک موجودیت اجتماعی با ویژگی‌های خاص خود است و از سوی دیگر دایره بر احساس یا حس تعلق جمعی است. بنابراین دو عنصر شناختی^۱ و احساسی^۲ از عناصر مقوم و شکل‌دهنده به این هویت جمعی است (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵).

مهم‌ترین عامل بیناذهنی شکل‌دهنده به هویت داعش، اسلام و تفسیر خاص و مضیق از آموزه‌های اسلامی است که از آن به عنوان آرمان مشترک نیز یاد می‌شود. این آرمان مشترک هویتی را بر می‌سازد که توجیه‌کننده و مشروع‌کننده‌ی اقدامات داعش و روایت‌های آن از «خود» و «دیگری» است. برخی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده به این آرمان مشترک عبارت است از: ایمان بدون پرسش‌گری، جهادگرایی، دفع دشمن از سرزمین‌های اسلامی، بشارت پیروزی و یا شهادت و تأکید بر دگر درون دینی و برون دینی (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۹۰-۹۱).



۱. Cognitive

۲. Affective

در شکل زیر به مبانی بینادذهنی شکل دهنده به این «هویت جمعی» اشاره خواهد شد.

Archive of SID



مبانی شکل دهنده به هویت جمعی کارگزاری داعش

باورهای مذهبی و تفاسیر خاص و مضیق از دین و نص قرآن که ریشه در اندیشه‌های این تیمیه (قرن ۱۴) دارد و توسط عبدالوهاب (قرن ۱۸) به ایدئولوژی سلفی مدرن تبدیل شد. در همین رابطه بایستی بیان کرد دین و آموزه‌های دینی عامل پیوند مخاطب به گروه می‌باشد.

انگاره‌های تاریخی ناشی از روندهای سلطه‌جویانه غرب در گذشته (تاریخ‌گرایی)، تکیه بر آرمان شهر و وضع مطلوبی که امنیت و منافع گروه را تامین خواهد کرد، تکیه بر تکیه بر محیط ناامن و القا این نکته به مخاطب که فضا و حاکمیت موجود تامین‌کننده امنیت لازم برای پیروان این گروه نیست.

بعنی‌گرایی که حاکی از انگاره‌های احبای نژاد عرب و نجات آن از فشار و سلطه و جست و جوی یک دولت بان عرب تحت رهبری و هدایت حزب بعث (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: Barret, 2014: 19-23).

در کنار این عوامل می‌توان تأکید داعش بر روایت‌هایی را مهم دانست که قربانی شدن مسلمانان را در طول تاریخ توضیح می‌دهد (تاریخ‌گرایی داعش و تکیه بر تجربیات تاریخی) روایت‌هایی که نتیجه و تجویز آن تأکید بر جلوگیری از تکرار تاریخ (تاریخ جنگ‌های صلیبی) و مجازات کردن مسیحیان است. در همین زمینه در یکی از شماره‌های نشریه‌ی دابق این چنین آمده است: «ای صلیبیون به اذن خداوند این آخرین مبارزه‌ی ما با شما خواهد بود، ما شما را شکست خواهیم داد و شما دیگر نمی‌توانید بر ما یورش ببرید» (Dabiq, 1435: 2). البته بایستی اشاره کرد که در بازنمایی این هویت رسانه‌ها و تبلیغات تحت عنوان قدرت گفتمانی^۱ نقش بسیار مهمی دارند. در همین راستا یکی از ارکان خلافت داعش نهادی با عنوان «شورای رسانه‌ای» است (تاجیک، ۱۳۸۷: ۹).

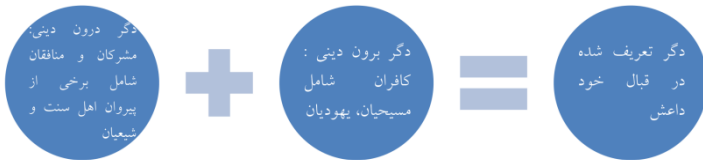
نکته‌ی سوم در ارتباط با تحلیل کنش‌گری داعش از منظر مفهوم هویت بحث



توجه به «دگر» تعریف شده توسط این کنش گر است. همان گونه که در تعریف هویت بیان شد تکوین هویت هر کنش گری از جمله داعش نیازمند فرآیند متمایز ساختن «خویشتن» از «دیگری» است. در همین زمینه برایان فی هویت را این چنین تعریف می نماید: شکل گیری هویت متضمن فرآیند متمایز ساختن خویشتن از دیگری است. تا دیگری وجود نداشته باشد، خود در قبال آن متمایز نمی شود. بنابراین خویشتن ها نیازمند دیگران هستند، حتی از نظر پافشاری شان بر تفاوت با آن ها (فی، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

در شکل زیر «دگر»ی که کنش گری داعش برای خود تعریف کرده است نشان داده شده است.

«دیگر» تعریف شده در قبال «خود» داعش



نکته‌ی مهم آنکه هم در تکوین «هویت جمعی» داعش که در نکته‌ی قبل به آن اشاره شد و هم در فرآیند تعریف «خود» و «دیگری» روایت‌های بیان شده توسط این کنش گر بسیار مهم است.

چرا که در واقع هویت‌ها متضمن روایت‌هایی از «خود» و «دیگری» است. در این راستا داعش به عنوان کنش گری که دارای هویت تعریف شده برای خود است، روایتی از خود با جنس «بنیادگرایی» دارد. بنیادگرایی مذهبی حاوی این اعتقاد است که مجموعه‌ای از آموزه‌های مذهبی وجود دارد که به طرز صریحی حقیقتی اساسی، پایه‌ای و عاری از خطا درباره‌ی انسان و خدا دارد، حقیقتی که از طرف نیروهای بشر با تهدید روبرو شده است و بایستی با قدرت با آن مبارزه کرد (Koopnansse, 2015: 34).

در واقع بنیادگرایی متضمن ایجاد نوعی هویت برای یکسان سازی رفتار فردی



بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۵۹

و نهادهای جامعه با هنجارهایی است که برگرفته از احکام خداوند هستند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۰). بنابراین می‌توان این گونه بیان کرد که روایت بنیادگرایی برای داعش نوعی «هویت مقاومت»^۱ نیز ایجاد کرده است. «هویت مقاومت» برای کنش‌گرانی ایجاد می‌شود که از طرف «منطق سلطه» و یا «دیگری مسلط» در روابط بین‌الملل بی ارزش دانسته شده‌اند و یا به حاشیه رفته‌اند (هویت مقاومت در قبال روندهای سلطه جویانه جهانی شدن). این هویت مقاومت، در برگیرنده‌ی نوعی عنصر خشونت نیز هست. خشونت در جهت اثربخشی بیشتر در جهت کنترل و یا سرکوب دیگری تهدیدگر. بنابراین رابطه‌ی «خود» و «دیگری تهدیدگر» همواره درگیری، منازعه و جنگ است (رحیمی و شیخ سرایی، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۵).

داعش از منظر مفهوم جهانی شدن در روابط بین‌الملل

آخرین مفهومی که در این مقاله کنش‌گری داعش را بر اساس آن و یا از منظر آن مورد تحلیل قرار می‌دهیم، مفهوم جهانی شدن است. به طور کل مفهوم جهانی شدن از چهار بعد می‌تواند در ارتباط تحلیلی با داعش قرار گیرد:

۱- جهانی شدن به عنوان زمینه و بستر^۲: در این نگاه داعش از منظر مفهوم جهانی شدن در محیطی ایجاد شده است که جهانی شدن آن را شکل داده است، به این معنا که در اثر تقویت سیستم ارتباطات جهانی و کاهش نفوذ دولت-ملت‌ها به عنوان بازیگران ملی در کنترل رویدادها، بازیگران غیردولتی فرصت ایجاد کنش‌گری پیدا کرده‌اند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳ و یا سلیمی، ۱۳۹۲) که یکی از این بازیگران، گروه تروریستی داعش در عراق و شام است.



سال چهارم، شماره ۱۳
بهار ۱۳۹۷

۱. Resistant Identity

۲. Context

۲- جهانی شدن به عنوان عامل پیدایی: در این نگاه تحلیل داعش از منظر مفهوم جهانی شدن را می‌توان این گونه بیان کرد که جهانی شدن از طریق بازسازی زمان و مکان و فضا و برجسته سازی و غیریت سازی گروه‌هایی خاص نسبت به سایرین، همچنین ایجاد بحران‌هایی خاص از جمله بحران هویت و معنا برای برخی از کنش‌گران، ایجاد سیالیت در حوزه‌ی معنایی و مفاهیم موجود و همچنین رقابت میان بازنمایی‌های متفاوت بر سر روایت حقیقی و درست از جهان بیرون و ایجاد نوعی محلی‌گرایی^۱ در برابر جهان-گرایی^۲ باعث ایجاد گروه‌های مقاومتی از جمله داعش می‌شود که جهانی شدن به همراه گسترش فرهنگ مدرنیته‌ی غربی را علت اصلی به حاشیه راندن خود می‌دانند (حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۵۵-۱۵۷).

۳- جهانی شدن به مثابه‌ی ابزار: در این نگاه جهانی شدن به مثابه‌ی گسترش و سائل ارتباط دسته جمعی و سیستم‌های ارتباطی به مثابه ابزاری فرض می‌شود که اعضای داعش از آن بهره جسته و از طریق همین سیستم‌های ارتباطی به اطلاع رسانی و عضوگیری و همچنین روایت از خود می‌پردازند. در همین راستا بایستی بیان کرد که هیئت رسانه یکی از ارکان‌های مهم سیستم خلافتی داعش است (Gunaranta, 2002:86-88).

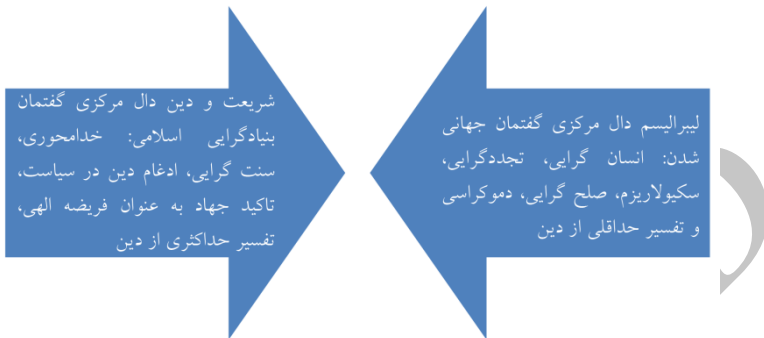
۴- جهانی شدن به عنوان دگرگفتمانی: از این منظر اگر جهانی شدن را به مثابه گفتمانی در نظر بگیریم که لیبرالیسم دال مرکزی این گفتمان باشد و دال‌های شناور نیز انسان‌گرایی، تجددگرایی، سکولاریسم، صلح‌گرایی، تفسیر حداقلی از دین و دموکراسی باشد، تمامی این عناصر گفتمانی در تقابل با دال‌های مرکزی و شناور گفتمان سلفی‌گری و یا بنیادگرایی داعش قرار می‌گیرد. در شکل زیر این بحث به تصویر کشیده شده است.

۱. Localism

۲. Globalism



تقابل گفتمانی جهانی شدن و بنیادگرایی اسلامی داعش



بنابراین جهانی شدن، لیبرالیسم را به همراه اصولش به عنوان الگویی کارآمد و عادی و طبیعی بازنمایی می‌کند و دیگر گفتمان‌ها و یا روایت‌ها را نظیر بنیادگرایی اسلامی به حاشیه می‌راند و یا در معرض آسیب و حمله قرار می‌دهد. در این فرآیند بحران معنا و هویت رخ داده برای گروه‌ها و یا روایات به حاشیه رانده شده رخ می‌دهد و بازگشت به هویت خودی و بومی و حفظ آن غالباً همراه با افراط و ایجاد هویت‌های مقاوم در برابر امواج جهانی شدن است (سمیعی اصفهانی، اکوانی و سیف آبادی، ۱۳۹۴، ۹۳-۹۵ و حاتمی ۱۳۹۴: ۱۵۴-۱۵۷ و Jones, 2014: 34).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در ابتدای پژوهش بیان شد هدف اصلی این نوشتار پرداختن به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به عنوان یکی از کنش‌گران جدید و قابل توجه در روابط بین‌الملل از منظری جدید و متمایز یعنی منظر نظری و مفهومی واژگان ادبیات رشته‌ی روابط بین‌الملل بود. از آن جا که پژوهش در باب هر موضوعی در گام اول نیازمند بررسی ادبیات و پیشینه‌ی آن موضوع است در این پژوهش نیز ابتدا به بررسی ادبیات موجود پرداختیم و در همین راستا با مطالعه‌ی موردی مقالات علمی- پژوهشی چاپ شده در مجلات فارسی و تقسیم

این ادبیات بر اساس نام گذاری نویسنده به ادبیات علمی / تبیینی، اندیشه‌ای / تکوینی، مقایسه‌ای / تطبیقی، سنجش محور و آینده پژوهی به این جمع‌بندی رسیدیم که هیچ یک از این ادبیات داعش را به عنوان یک کنش‌گر بین‌المللی از منظر مفاهیم رشته روابط بین‌الملل که موضوع اصلی این پژوهش بود مورد بررسی و مذاقه قرار نداده‌اند، بنابراین بر آن شدیم تا در گام دوم به این مهم بپردازیم.

در همین راستا به بیان اهمیت کنش‌گری داعش به لحاظ ماهیت کنش‌گری، گسترده‌ی تأثیر و شدت دامنه‌ی عضوگیری و اهمیت تأثیرات امنیتی، به بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از منظر مفاهیمی چون بازیگر، قدرت، امنیت، هویت و جهانی شدن پرداختیم.

نتیجه‌ی نهایی که در این مقاله به آن دست یافتیم آن است که هم جامعه‌ی علمی و هم جامعه‌ی بین‌المللی برای فهم کامل کنش‌گری داعش بایستی این پدیده را لزوماً و حتماً از منظر مفاهیم روابط بین‌الملل مورد فهم قرار دهد چرا که هر گونه اقدامات بازدارنده و منع‌کننده در قبال داعش بایستی در گرو فهم کامل چیستی، چرایی و چگونگی قدرتمند شدن این کنش‌گر مهم بین‌المللی باشد. به عنوان مثال با درک رابطه‌ای که میان جهانی شدن و داعش قرار دارد می‌توان فرصت‌هایی را که به عنوان بستر و یا ابزار گسترش جهانی شدن در اختیار داعش قرار می‌دهد شناسایی کرد و مانع از این فرصت‌ها شد.

از سوی دیگر با فهم ابعاد مختلف قدرت در کنش‌گری داعش می‌توان به این نتیجه رسید که برای مبارزه با این پدیده فقط اعمال قدرت اجباری از سوی جامعه‌ی بین‌المللی کافی نیست و بایستی از قدرت گفتمانی نیز بهره برد، چرا که قدرت گفتمانی همان گونه که بیان شد یکی از مهم‌ترین عوامل قدرت‌یابی و مشروعیت بخشی داعش و گسترش آن است.

در بحث امنیت و تحول مفهومی آن و ارتباطش با داعش به این نتیجه رسیدیم که اقدامات داعش هم بر اساس حفظ امنیت فیزیکی و هم بر اساس حفظ امنیت



بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۶۳

هویتی بایستی مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین برای مقابله با آن بایستی جامعه‌ی بین‌المللی در کنار به مخاطره انداختن امنیت فیزیکی داعش و سرزمین‌های تحت تصرف این گروه، به مخاطره انداختن امنیت هویتی این کنش‌گر نیز بیاندیشد.

در پایان امید است این پژوهش توانسته باشد یکی از خلاءهای موجود در باب کنش‌گری داعش را به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگران عصر ما پر کرده باشد.

منابع

(الف) فارسی:

- آذین، احمد و علی سیف زاده. (۱۳۹۴). «بررسی زمینه های ظهور اجتماعی و سیاسی داعش در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۹، ش ۴، صص ۲۷-۵۰.
- آرت، هانا. (۱۳۶۶). *توتالیتاریسم: حکومت ارباب و کشتار و خفقان*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: جاویدان.
- ابراهیم نژاد، محمد. (۱۳۹۳). *داعش: دولت اسلامی عراق و شام*، قم: انتشارات دارالعلام.
- احمدوند، سلمان و ایمان احمدوند. (۱۳۹۴). «بازخوانی رهیافت های تبیین گر تروریسم (زیوکید ترکیبی) مطالعه موردی داعش»، *مجله سیات دفاعی*، سال ۲۳، ش ۹۰، صص ۱۴۱-۱۷۴.
- استیل، برنت. (۱۳۹۲). *امنیت هستی شناختی در روابط بین الملل*، مترجمان: جلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی. تهران: مطالعات راهبردی.
- اشرف نظری، علی و عبدالعظیم السمری. (۱۳۹۳). «بازخوانی هویت دولت اسلامی عراق و شام (داعش): فهم زمینه های فکری و سیاسی / اجتماعی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ۱۷، ش ۶۸، صص ۷۵-۱۰۸.
- امینیان، بهادر و حسام الدین زمانی. (۱۳۹۳). «داعش: پیوند سلفیت تکفیری و بعثی گرای»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال ۷، ش ۲۳، صص ۱۳۳-۱۴۹.
- امینیان، بهادر و حسام الدین زمانی. (۱۳۹۵). «چهارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی*، ش ۲۶، صص ۱-۲۶.
- باقری دولت آبادی، علی. (۱۳۹۵). «تاکتیک های جنگ روانی داعش»، *فصلنامه پژوهش های ارتباطی*، سال ۲۳، ش ۱، صص ۱۱۵-۱۳۱.
- باقری دولت آبادی، علی و جعفر نوروزی نژاد. (۱۳۹۴). «کاستی های نرم افزاری امنیت در عراق و قدرت یابی گروه تروریستی داعش»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال ۴، ش ۱۶، صص ۳۱-۵۵.
- بیری، نیکنام. (۱۳۹۳). *تروریسم و جهانی شدن ارتباطات*، تهران: ابرار معاصر.



بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۶۵

- البکری، عبدالرحمن. (۲۰۱۵). *داعش و مستقبل العالم، المان: دارالغرباء*.
- بوزان، بری. (۱۳۹۰). *ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ، مترجم: عبدالمجید حیدر، تهران: مطالعات راهبردی*.
- بیلیس، جان و استیو اسمیت. (۱۳۸۳). *جهانی‌شدن سیاست (جلد ۱): روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرآیندها)*، مترجم: ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۷). «رسانه و بحران در عصر فراواقعیت»، پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۱۵، ش ۵۶.
- توکلی، سعید. (۱۳۹۳). «القاعده، داعش: افتراقات و تشابهات»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۷، ش ۲۳، صص ۱۵۱-۱۹۵.
- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۴). «شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن» فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش ۳۰، ۱۴۷-۱۶۹.
- رحیمی، حسن و نجف شیخ سراپی. (۱۳۹۴). «خشونت نمادین در فراروایت غربی بنیادگرایی اسلامی» فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۸، ش ۷۲، صص ۲۳-۴۲.
- رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۳). *درآمدی بر مهم‌ترین مفاهیم روابط بین‌الملل، تهران: تیسار*.
- زمانی، سیدقاسم. (۱۳۹۴). «ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی»، فصلنامه دولت پژوهی، سال ۱، ش ۱، صص ۱۱۳-۱۳۱.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۶). *نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن*. تهران: سمت.
- سمیعی اصفهانی، علی رضا و محسن شفیعی سیف آبادی. (۱۳۹۴). «آینده گروه‌های تکفیری و راهکارهای ثبات بخش سوریه و عراق»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۴، ش ۱۴، صص ۲۰۰-۲۲۷.
- سمیعی اصفهانی، علی رضا و محسن شفیعی سیف آبادی. (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمانی جهانی‌شدن و ظهور اسلام سیاسی سلفی/جهادی در خاورمیانه عربی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاست/اسلامی، سال ۳، ش ۷، صص ۹۰-۱۱۳.
- شهنازی، روح اله. (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در ایران و جهان اسلام و نقش مجتمع‌های نظامی-صنعتی آمریکا»، دو فصلنامه



۶۶ فصلنامه دولت پژوهی

- جستارهای اقتصادی ایران، س ۱۲، ش ۲۴، صص ۳۳-۶۰.
- صادقی، سید شمس الدین، مسعود اخوان کاظمی و محمدکریم محمدی. (۱۳۹۴). «اواکوی گتتمان تکفیری سلفی گری در جهان اسلام»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، سال ۹، ش ۳۲، صص ۱۰۵-۱۲۸.
- صالحی، سید جواد و فاتح مرادی نیاز. (۱۳۹۴). «پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپلیتیک خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، سال ۵، ش ۱، صص ۱۰۳-۱۲۷.
- غفاری هشتجین، زاهد و قدسی علیزاده. (۱۳۹۳). «مولفه های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال ۳، ش ۱۱، صص ۸۹-۱۱۱.
- فی، برایان. (۱۳۸۱). *فلسفه امروزی علوم اجتماعی: نگرشی چندفرهنگی*، مترجم: خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- فیرحی، داوود. (۱۳۹۳). «جریان شناسی اسلام سیاسی معاصر»، *پارسینه*، ۸ آذر.
- فیرحی، داوود. (۱۳۸۹). «بنیادگرایی»، *مهرنامه*، سال ۱، ش ۲، صص ۱۰۸-۱۱۲.
- قادری، حاتم. (۱۳۸۵). *اندیشه سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه، فرهنگ، قدرت هویت*، مترجم: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *قدرت هویت*، مترجم: حسن چاوشیان. تهران: انتشارات نو.
- کریمی مله، علی و رضا گرشاسبی. (۱۳۹۴). «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، سال ۵، ش ۱، صص ۱۵۵-۱۷۹.
- کسرای، محمدسالار و سعیده داوری مقدم. (۱۳۹۴). «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیلی جامعه شناختانه»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۷، ش ۱، صص ۱۹۱-۲۱۶.
- کک دین، نگوین. (۱۳۸۲). *حقوق بین الملل عمومی*، مترجم: حسن حبیبی، تهران: اطلاعات.



بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از ... ۶۷

گریفیتس، مارتین. (۱۳۸۸). *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، مترجم: علی رضا طیب، تهران: نشر نی.

لینکلتر، اندرو. (۱۳۸۶). «مرحله بعدی در نظریه روابط بین‌الملل از دیدگاه نظریه انتقادی» در *اندرو لینکلتر، نواقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب‌برسازی*، مترجم: علی رضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۲۱۱-۲۵۳.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت. میریوسفی، علی رضا (۱۳۹۵) «تناقضات راهبرد ضد داعش ایالات متحده آمریکا و موضوع همکاری با ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ۸، ش ۱، صص ۳۱-۵۹.

میریوسفی، علی رضا و حسین غریبی. (۱۳۹۵). «خشونت هویتی و سیر تطور اندیشه‌های جهادی تکفیری در خاورمیانه ۱۹۸۰-۲۰۱۵»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ۵، ش ۱، صص ۱۶۸-۱۹۸.

ناوشکی، حسین و قدرت احمدیان. (۱۳۹۴). «عوامل قدرت‌یابی داعش در عراق»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ۱۸، ش ۷۲، صص ۴۳-۶۷. نبوی، عبدالامیر و علی نجات. (۱۳۹۳). «جریان‌شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه بر اساس تحلیل گفتمان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ۴، ش ۴، صص ۱۲۹-۱۶۲.

نیاکویی، امیر. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل گسترش جریان‌ات تکفیری در خاورمیانه (۲۰۱۱-۲۰۱۵)»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ۴، ش ۴، صص ۱۰۴-۱۲۸. واعظی، محمود. (۱۳۸۹). *هویت جمعی و همگرایی اروپایی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

ونت، الکساندر. (۱۳۸۴). *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، مترجم: حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

هابرماس، یورگن. (۱۳۷۵). *نقد در حوزه عمومی*، مترجم: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.



(ب) انگلیسی:

- Aust, Anthony. (2010). *Handbook of International Law*, Cambridge.
- Barnet, M and R Duall. (2006). "Power in International Politics", *International Organization*, No 59,39-75.
- Barrett, Richard. (2014). *The Islamic State*, New York: The Soufan Group, November.
- Cox, R. (2004). "Civilizations and the 21st Century" in *Globalization and Civilizations*, London: Rout ledge.
- Dabiq. (2014). "The Return of the Khilafah", *Dabiq Issue 1*, Available at: archive.org/details/DABIQ1.Rumsfeld.2006.
- Dabiq. (2014). "The Failed Crusade", *Dabiq issue 4* Available at: archive.org/details/DABIQ4.
- Dorothy, Zirkle. (2007). *Arab Nationalism Versus Islamic Fundamentalism as a Unifying Factor in the Middle East*, Boston College.
- Fearon, J and Wendth, A. (2005). "Rationalism V. Constructivism: A skeptical View", in *Handbook of International Relation*, London: Sage Publication.
- Giddenes, A. (1994). *Risk, Trust and Reflexivity*, CA: Stanford University Press.
- Giddenes, Anthony. (1991). *Modernity and Self Identity: Self and Society in the Late Modern Age*, Cambridge: Polity.
- Gill, S. (1993). "Epistemology, Ontology and Italian School," in Stephen Gill (ed.), *Gramsci, Historical Materialism and International Relations*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Gunaranta, M. (2002). *Inside Al-Qaeda: Global Network of terror*, New York: Columbia University Press.
- Herta, Laura Maria. (2012). "Review of Ontological Security in International Relation, Self- Identity" , *Romanian Review of International Studies* , Vol 12. NO 2.
- Hertz, J. (1950). "Idealist Internationalism and the Security Dilemma", *World Politics*, Vol 2, No 2.
- Huntington, Samuel P. (1996). *The Clash of Civilizations and the Remaking of the World Order*. New York: Simon and Schuster.
- Kfir, Isaac. (2014). *Social Identity Group and Human (In)Security: The Case of Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL)*, Institute for National Security and Counterterrorism (INSCT).
- koopmanse.r. (2015). "Religious Fundamentalism and Hostility against Out-groups: A Comparison of Muslims and Christians in Western Europ", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, Vol. 41, No. 1, 33–57.

